

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



موضوع کنفرانس:

خلاصہ کتاب آموزش مفاهیم دینی، ہنگام با
روان شناسی رشد

جمع آوری:

محمد رضا اسماعیل پور مقدم

زیر نظر استاد محترم جناب آقای اکبری



معرفی کتاب:

کتاب آموزش مفاهیم دینی، تکامل با
روانشناسی رشد

نوشته ی ناصر باهنر



چکیده :

دکتر ناصر باهنر در مقدمه این کتاب این طور می نویسد: متأسفانه از جمله بزرگترین غفلتهایی که در زمینه آموزش دینی در جامعه ما صورت گرفته و به آموزش لطمه زیادی وارد آمده است، عدم توجه به روانشناسی دانش آموزان است. تجربیات موجود و تحقیقات انجام شده در مدارس نشانگر این است که مسأله آموزش دینی از وضعیت مطلوب برخوردار نبوده است.... این کتاب تلاش دارد تا به دو سؤال مهم پاسخ گوید: کودک در رشد و تکامل درک دینی از چه دوره هایی عبور می کند و ویژگیهای این دوره ها چیست؟

با توجه به ویژگیهای این دوره ها و درک او از مفاهیم دینی، آموزش مفاهیم دینی چگونه باید صورت پذیرد؟

این کتاب در ۵ فصل تنظیم شده که سه فصل اول به سؤال اول و دو فصل پایانی به سؤال دوم پاسخ می دهد. به پدر و مادرانی که برای تربیت دینی فرزندان شان دغدغه دارند، مطالعه این کتاب توصیه می شود.

این اثر به عنوان یکی از پژوهشهای فرهنگی منتخب سال ۱۳۷۶ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزیده شده است. اثر حاضر تلاش دارد تا با تکیه بر روانشناسی رشد به بررسی مراحل رشد و تکامل درک دینی و با مطالعه چگونگی درک و نوجوانان از مفاهیم دینی به شیوه های مناسب آموزش معارف اسلامی در این دوره های سنی را پیشنهاد نماید.

اهمیت موضوع اهداف بررسی

فصل اول: کودک کیست؟

فصل دوم: مراحل رشد و تکامل درک دینی

فصل سوم: درک کودکان و نوجوانان از مفاهیم دینی

فصل چهارم: کلیاتی در آموزش دینی

فصل پنجم: شیوه های آموزش معارف اسلامی به کودکان

اهمیت موضوع

تجربیات موجود و تحقیقات انجام شده در مدارس نشانگر آن است که مسأله آموزش دینی از وضعیت مطلوب برخوردار نبوده، گاه با تأثیرات معکوسی نیز همراه گردیده است.

برخی مباحث کتاب عبارت‌اند از: مراحل رشد و تکامل، تعلیم و تربیت بدنی در سخنان معصومین (ع)، آموزش دینی و وظایف اساسی آن، نقش معلم و ویژگی‌های او در تعلیم و تربیت دینی، شیوه آموزش مفهوم دین، شیوه آموزش دیگر ادیان و شیوه‌های آموزش اخلاق.

نقش معلم و ویژگی های او در تعلیم و تربیت دینی

- در تعلیم و تربیت دینی عوامل متعددی نقش دارند، اما به یقین پس از پدر و مادر، باید مهم ترین عامل را در مدرسه و در شخصیت معلم بجوییم، بویژه در محدوده ی سنی دوره ابتدایی که نقش الگو پذیری معلم از یک سو و نقش الگویی معلم از سوی دیگر این عامل را قوت می بخشد.
- شاید مهم ترین تفاوت بین معلم و مربی این باشد که مربی واقعی فردی است که توانسته راهی بسوی دلها بگشاید.
- او بازبانش درس می دهد (تعلیم را) و بانگاهش، قیافه اش، باحالاتش، باراه رفتنش، باسکوتش، باخنده اش و باهیأت وجودش یاد می دهد (تربیت را)
- یعنی اینکه معلم بتواند اعتقاد و علاقه ی درونی آنان را به وجود آورد و رابطه ی روحی و معنوی با آنان برقرار کند تا آن جاکه حتی نگاهها، اشاره ها و حالت های معلم نیز در آنان تاثیر عمیقی گذارد و در تربیت شخصیت آنان منشا اثر شود.

عوامل جذب دانش آموز

الف) **مقبولیت:** موضعی که عقل در برخورد با فرد اتخاذ می کند.

عوامل عمده ی ایجاد مقبولیت:

برخورداری از تفوق علمی

معلم باید شخصیتی قابل احترام داشته باشد (داشتن رفتار که عقل فطری آن را می پذیرد).

ب) **محبوبیت:** موضعی که روحاً در برخورد با فرد می گیریم و قلباً او را دوست

می داریم یا بالعکس.

برخورداری از صفای نفس و پاکی از معایب مهم روحی سبب پیدایش نورانیتی در دل می شود که هر دل آماده ای آن را همراه با آثار و نتایج روحی و معنویتش درک می کند و ارضا می شود.

ج) **موفقیت:** یعنی که معلم با قوانین حاکم با روح دانش آموز و تکنیکهای آموزشی و تربیتی آشنا باشد.

چند نکته پیرامون نحوه برخورد با دانش آموز

- الف) ضرورت کودک شناسی
- ب) شیوه های برخورد با کودکان
- احترام به شخصیت دانش آموز یکی از این اصول است.
- مراعات اصل آزادی در کلاس
- برخورد محبت آمیز با دانش آموز

❖ معلم موفق از دیدگاه امام علی (علیه السلام):

حضرت علی (علیه السلام) در خطبه ی ۱۷۰ نهج البلاغه از کیفیت تعلیم و تربیت دینی پیامبر توصیفی دارد:

طبيب سیاری که با طبابت خویش همواره در گردش است.

حریص علیکم...

فصل دوم: شیوه های آموزش معارف اسلامی به کودکان

- دودوره ی کلی در آموزش دینی کودکان:
- دوره ی اول: آموزش دینی خردسالان ۵ تا ۹ ساله
- یکی از مهمترین وظایف معلم در این زمینه این است که در برخورد با برداشت های خام و نیز پاسخگویی به سوالات کودکان درباره ی خدا و سایر مفاهیم غیر طبیعی به گونه ای عمل کنند که جلوه های خام و مادی متصور کودکان نفی شود. کودکان ظرفیت درک حقایق انتزاعی این مفاهیم را ندارند.
- به عنوان مثال کودکی که می پرسد خدا کیست و کجا زندگی می کند؟ با توجه به این که پیش بینی می کنیم در ذهن او خدا با هیأتی انسانی ترسیم شده است ؛ در پاسخ با بیان سلبی می گوییم، خدا مثل مان یست و سرودست و گردن ندارد.
- ۲- در تبیین نادیدنی بودن خدا می توان کودکان را راهنمایی کرد تا به تجربه ی خود از حقایق موجودولی نادیدنی ؛ مانند فکر، جریان برق و از این قبیل بازگشت نمایند و حدودی به این تفکر نزدیک شوند.
- (اصولا ، هدف عمده در این دوره ی سنی جذب برای آموزش است نه صرف آموزش.)

تعديل خيال به سوي واقعيت

- اين دوره رامي توان دوره ي مذهب خيال پردازی شده ناميد که عمده کار آموزش اين است که افکار در شکل خيال پردازی شده آن تحريك و کشف گردد و آنان را در چهارچوب امنی از عقايد با حفظ انعطاف پذيری قرار دهيم و در اين راستا می توان به طور ساده و مکرر از خدایي صحبت شود که ما را دوست دارد و مراقب ماست و اوست که برای ما اين همه نعمت در روی زمين آفریده است و اين که او همواره با ماست.

بزرگترین خطر

- بزرگترین خطر برای خردسالان دانش آموزان این است که در طول این آموزش به مجموعه ی لغات مذهبی دست یابند که اساساً هیچ مفهومی برای آن ها ندارد. از این رو در کودکان و دو سال نخستین دبستان و حتی سالهای بعد باید تأکید آموزش بر نفوذ و تأثیر در او باشد، تا طرح ظاهری دستورالعمل های آموزشی.



دوره دوم: آموزش دینی کودکان 3 تا 6 سال

- ویژگی های این دانش آموزان علاقه ی آنها به لذت بردن و سرگرم شدن و جذب معلومات جالب می باشد.
- در این دوره با توجه به این که کودکان در مرحله ی عملیات عینی هستند؛ می توان بحث از ضرورت ها و اثبات اصول دین را در قالب تجارب عینی و محسوس کودکان و به صورتی ساده بیان کرد، مانند اینکه نیازه پیامبران را با توجه به نیاز کلاس به معلم یا کوهنوردان به راهنما بیان کرد.
- در هر حال نباید غفلت کرد که مفاهیم دینی در نزد کودکان این دوره خام و محدود هستند و باید آموزش را بر پایه ی توجه به آنها تنظیم کرد.
- هم چنان یکی از اهداف آموزش دینی در این دوره باید این باشد که خامی های تفکر کودکان پیرامون مباحث مذهبی شناخته شوند و توسط معلم فنی نفی گردند، به عنوان مثال وقتی مفهوم خدا را از دارا بودن والدین، پاک و تصفیه می کنیم، می توان به آنها تذکر داد که وجود همه چیز از اوست، اما وجود او از آن خود اوست، همان گونه که رطوبت هر چیز از آب است، اما رطوبت آب از آن خودش می باشد.

شیوه‌ی آموزش مفهوم دین

- دردوره ی اول دبستان کودک علاقه ای به طرح چنین مباحثی ندارد، فقط چون لفظ دین خواه ناخواه در کلاس به کار برده می شود، در حد بیان یک معنای ساده می توان بسنده کرد تا کودکان کلمات را بدون آن که معنا آن را بدانند استفاده نکنند، مانند اینکه دین همان کارهایی است که خدا به ما گفته است انجام دهیم یا انجام ندهیم.
- اما درسین بالاتر معلم برای تبیین مفهوم دین و نیاز ما به آن به تجارب کودکان بازگشت نماید و از طریق محسوس و عینی به آن بپردازد؛ به عنوان مثال با نشان دادن برنامه هفتگی به آنان سوالاتی را مطرح می کند تا بتدریج کودکان را به مقصود نزدیک سازد، چرا این برنامه را برای شما نوشته اند؟ فایده اش چیست؟ اگر این برنامه را به شما نمی دادند چه می شد؟ آیا فکرمی کنید تنها در مدرسه و برای درس خواندن باید برنامه داشت؟
- زندگی مادر این دنیا مثل درس خواندن شما در مدرسه است و ما هم نیازه برنامه ای داریم تا خوب و درست زندگی کنیم. این برنامه از طرف خدا و به وسیله ی پیامبران برای ما آورده می شود، دین نام دارد.
بحث ادیان دیگر را هم می توان با تشبیه به اینکه ما در کلاس اول یک برنامه داریم و در کلاس دوم یک برنامه تشبیه کرد.
- بحث ضرورت الهی بودن دین را هم می توان با این سوال که چه کسی می تواند بهترین برنامه درسی را در مدرسه تهیه کند؟ مطرح ساخت.

شیوه های آموزش اصول دین

- (1) آموزش این مفاهیم و دلایل ساده ی آن
- (2) وظایف این آموزش در برابر برداشت های خام کودکان
- (3) شیوه های علاقه مند ساختن کودکان به خدا، پیامبران و امامان
- (4) نکاتی خاص در آموزش هریک از این اصول



الف) خداشناسی

- اگرچه اعتقاد به خدا امری فطری است و نیازی به اثبات ندارد، اما حتی در کودکی نباید از تقویت زیربنای اعتقادی غافل ماند و در سنین پایانی دبستان می توان آنها را به زبانی ساده مطرح کرد. در این زمینه می توان از مطالب زیر بهره برد:
- همان گونه که یک ساختمان نیاز به طرح و نقشه و سازنده ای دارد ، بنای عظیم و شکوهمند این عالم نیز در گرو وجود خالق است که از آگاهی و توان لازم برخوردار باشد و او خداوند یکتاست.
- هم چنین می توان به نظم در مخلوقات اشاره کرد و به این نتیجه رسید که چنین نظامی خود به خود پدیدار نمی شود و باید ناظمی باشعور و توانا این نظم را به وجود آورده باشد.

داستان مرد خداشناس

- فردی خداشناس از کوچه ای عبور می کرد. شخصی با عجله خود را به او رساند و گفت: دریک دقیقه خداوند را به من معرفی کن.
- مرد خداشناس گفت: آیا توهستی یا نیستی؟ آن مرد جواب داد :
- من هستم و در بودنم شکی نیست.
- شخص خداپرست گفت: آیا تو خودت، خودت را ساخته ای؟ او گفت؟ نه. هم وسیله ای ندارم و هم بلد نیستم. آن گاه مرد خداشناس با لبخند گفت: پس تو باید سازنده ای داشته باشی که بداند چه بسازد و بتواند بسازد. ما نام او را خدایم گذاریم.

ب) معاد

- برای روشن تر شدن مفهوم اصل معاد و اهمیت آن با استناد به حدیث «الدنیا مزرعة الآخرة» این مسأله تبیین می شود که این دنیا مانند یک باغچه یا مزرعه است و اعمال ما نیز مانند بذری است که در این کشتزار کاشته می شود.
- ما نتیجه تلاش و کوشش خود را به طور کامل در جهان آخرت برداشت می کنیم . این دنیا زمان کاشت و محل تلاش و خدمت و عبادت است و آخرت هنگام برداشت و بهره مندی است.

در زمینه بحث از دلایل ساده ی معاد دو دسته از مطالب را می توان مورد نظر قرار داد:

- یک: امکان معاد
- دو: ضرورت معاد
- با استفاده از این تمثیل که در هر مسابقه ای کسی برنده می شود و جایزه می گیرد که بیشتر کوشش کند و به راهنمایی های معلم خود خوب توجه داشته باشد و در عمل آنها را به کار ببندد.
- این دنیا نیز مانند میدان مسابقه است و کسانی در این مسابقه پیروز می شوند که به راهنمایی های خداوند که توسط پیامبران برای ما آورده شده است توجه کرده باشند و از گفتار و کردار خود مراقبت کنند.

ج (نوت

- در این زمینه دو عنوان کلی را باید مورد توجه قرار داد:
- یک: نیاز انسان به وجود پیامبران:
همان طور که اگر بخواهیم برای اولین بار به یک سفر طولانی برویم، باید متناسب با شرایط مسیر و مقصد، وسایل لازم به همراه داشته باشیم، برای این کار ناچاریم از کسی که در این زمینه با اطلاع و آگاه است، راهنمایی بخواهیم.
- مادر سفر آخرت نیز که از اسرار آمیزترین سفرهاست به یک راهنما و رهبر آگاه نیاز داریم تا ما را در این مسیر هدایت کند و آن ها پیامبران می باشند.
- همچنین می توان از تشابه معلم کلاس و این که پیامبران نیز معلم انسان ها می باشند استفاده کرد.

دو: راه های شناسایی پیامبران

- بحث ساده ی از این ویژگی ها را باید به سال های چهارم و پنجم دوره ی ابتدایی موکول کرد.

۱- عصمت:

- برای فهم بیشتر این موضوع می توان از تمثیل های متعددی که مبتنی بر تجربیات کودکان است استفاده کرد؛ مانند اینکه یک پزشک میکروب ها و سموم و مواد مضر برای بدن را می شناسد و از مواد تقویت کننده و مفید برای جسم تمییز می دهد. او می داند که کدام یک از مواد غذایی را باید بخورد و از کدام دوری کند. از این رو خود را از آسیب مواد آلوده و مضر دور نگه می دارد و با غذاهای مفید و مقوی سلامتی بدن خود را حفظ می کند. پیامبران نیز از ضررهای اعمال بد آگاهی دارند و از آن ها دوری می کنند.



- درمورد ضرورت عصمت می توان پیامبران را به معلمی تشبیه کرد، که خود درس را نمی داند.

۲- معجزه:

- می توان آنان را به این تجربه متوجه ساخت که آیا چیزی پیدا کرده اید، که صاحب آن را شناسید؟

- آیا هر کس که ادعای مالکیت آن را داشته باشد، ادعای اورامی پذیرد، مگر نه این است که برای درستی گفته ی او دلیل و شاهی طلب می کنید؟ درمورد پیامبران هم چنین است.

۳- وحی

- برای تبیین نیازمندی ما به امام دوم محور کلی وجود دارد:

نخست همان مباحثی که درباره ی نیاز انسان به پیامبران مطرح شد و دیگری موضوع جانشینی که باید تجربیات کودکان در این زمینه را مورد بحث قرار داد، مانند این که اگر معلم کلاس نتواند به عللی در کلاس حضور پیدا کند، آیامی توان کلاس درس را بدون معلم برگزار کرد؟ اگر این طور شود چه پیش می آید؟ چه کسی می تواند جانشین او قرار گیرد و همان وظایف معلم را بر عهده داشته باشد؟ او باید چه شرایط و ویژگی هایی داشته باشد؟

- کودکان در این زمینه شبهه ای ندارند که به دنبال پاسخگویی به آنها باشیم، مگر آن که این بحث به صورتی ساده مطرح گردد و تنها به مسأله پاداش و جزای الهی در آخرت مطابق با اعمال انسان و این که هیچ بدی و خوبی بی نتیجه نخواهد ماند، اشاره شود.

2- وظایف این آموزش در برابر برداشت های خام کودکان

- مهم ترین کار معلم این است که تلاش های خود را معطوف نفی اشتباه ها و نواقص موجود در این برداشت ها کند، بدون آنکه برای تصحیح آنها به بحث از مفاهیم انتزاعی و استدلال های مشکل متوسل شود.



نمونه برای نفی برداشت های خام کودکان

- خدای نادیدنی:

حمید و پدرش از کنار جویی می گذشتند. درختان بید سایه انداخته بودند .

- مرغابی های کوچک روی آب شنا می کردند. نور خورشید از میان شاخه های درختان می تابید. آواز پرنده های زیبا به گوش می رسید. حمید از پدرش پرسید: این همه چیزها راجه کسی درست کرده است؟ پدرش پاسخ داد: همه ی این ها را خدا آفریده است. حمید گفت: پس چرا ما خدا رانمی بینیم؟ خدا کجاست؟

- پدرش به ساختمان زیبایی که در پشت درخت ها قرار داشت، اشاره کرد و گفت: ما از دیدن این ساختمان می فهمیم آن را کسی ساخته است، با آن که سازنده ی آن را

- نمی بینیم. از جای پایی که بر روی شن های بیابان باقی می ماند، می فهمیم از آن جا کسی گذشته است، با آن که ما او را ندیده ایم.

- همان طور که ما خدا رانمی بینیم. اما ماه و خورشید و درختان و پرندگان رامی بینیم و از دیدن آنها می فهمیم که کسی آن ها را آفریده است. آفریدگار ما و همه ی آنها خداست.

3- شیوه های علاقه مند ساختن کودکان به خدا، پیامبران و امامان

- یکی از مقاصد مشترک آموزش اصول دین، برانگیختن حساسیت و علاقه مندی و محبت نسبت به خداوند، پیامبران و امامان است.
- در این زمینه موارد زیر می تواند راهنمای کار معلمان باشد:

- **الف) خدا شناسی:**

- با ذکر نعمت های الهی باید ذهن دانش آموزان را به خدای متعال متوجه کرد و عاطفه و محبت آنان را نسبت به خدایی که همه را آفریده است و به همه کمک می کند، جلب نمود.
- همچنین ضروری است این تصور در ذهن کودک استقرار یابد که خدا او را دوست دارد و می خواهد او فردی شایسته و خوشبخت گردد، او دوست داشتنی، مهربان و صمیمی تر از پدر و مادر است.
- بردن نام خدا در ابتدای درس و شروع کار با یاد او و آموختن و خواندن دعا های زیبا و پر معنا می تواند به طور غیر مستقیم توجه دانش آموزان را به سوی خدا جلب کند.

ب) معاد

- در نظر نوآموزان زندگی پس از مرگ نباید به گونه ای وحشتناک جلوه کند، بدان گونه که بیشتر از عذاب ورنج دوزخ سخن به میان آید.
- برای آنان باید از خوشی ها ولذت های بهشتی صحبت کرد و آنان را نسبت به خدا و رحمت او علاقه مند ساخت، بخصوص اگر کودکان در قبال لطف و پاداش الهی مورد خطاب قرار گیرند تأثیر بسزایی خواهد داشت.
- اما نباید مانع عنوان کردن گوشه هایی از خشم و عذاب الهی نسبت به بدکاران شد، زیرا در تعلیم و تربیت دینی باید بیم و امید را همراه ساخت.

ج) نبوت و امامت

- به عنوان مهم ترین هدف این بحث کودک باید به اولیای دین علاقه مند باشد تا او امر آنان و راه و روش شان در او اثر گذارد و شیوه ی زندگی آنان را سرمشق قرار دهد. در این باره باید علاوه بر معرفی آنان به عنوان پدران مهربان یا آموزگاران دلسوز و افرادی برجسته و مرتبط با دستگاه قدرتمند الهی باید در تاریخ زندگی آنان جستجو کرد و از آن همه مکارم اخلاق و خدمات شان متناسب با سنین کودکان شاهد آورد.
- نکته:

اصولاً کودکان نسبت به کسانی که جنبه ی اعجاب و تحسین آن ها را برمی انگیزد و راه و روش قهرمانان را دارند، علاقه مندند. از جمله مهم ترین نمونه ها، برخورد صمیمی مهربان و دل نشین با کودکان است و سفارش هایی است که در جهت احترام و مهربانی و هم زبانی با کودکان بیان کرده اند. یا نمونه هایی که خصوصیات ممتاز آنان را در کودکی بیان می کند.

4) نکاتی خاص در آموزش هر یک از این اصول

الف) خداشناسی:

- کودکان درسین پایین تر باید با خداوند و نعمت هایش که از وجهه ی مهربانی و انعام او حکایت می کند، بیش تر آشنا شوند. این نوع آشنایی که از ریشه های اساسی روح مذهبی کودک در آینده است.
- نکته: در این گروه سنی باید به جای طرح انبانی از مطالب باید چند موضوع ساده و جزئی در قالب های مورد علاقه ی آنان شکل داد و ارائه کرد.
- نکته: اصرار بر آموزش به طور مستقیم باعث می شود که جذابیت روش ها از بین برود و جای خود را به تکرارهای خسته کننده بدهد، از این رو توجه به روش های غیر مستقیم ضروری است.

✓ از آن جا که مقصود اصلی از بحث خداشناسی
نشان دادن تجلیات خداپرستی در زندگی
انسان است، باید صحنه‌هایی از زندگی يك
خداپرست واقعی متناسب با سنین کود کان
نشان داده شود.

می توان بهر آنچه که مربوط به پرنامری زندگی
يك فرد دین دار است، اشاره کرد.

ب) معاد

- مسأله معاد و سخن از ثواب و عقاب الهی می تواند وسیله ای جهت نتیجه گیری های اخلاقی و تنبیه کودکان در مراقبت از اعمال خود و تشویق آنان به نیکوکاری و بازداشتن از کارهای بد باشد.
- (در مجموع تعلیم خداشناسی و معادشناسی باید یک تعلیم همراه با انس و مهر و محبت باشد و کاملاً دل نشین و به طور مداوم انجام گیرد. در این بحث ها نباید یک سلسله فرمول هایی را ردیف کرد که بدون انس و مهر القا می شود.)

ج (نبت)

- در این زمینه علاوه بر مواردی که گفته شد می توان فرمایشات گهربار حضرت محمد (ص) را با توجه به ویژگی های سنین کودکی با برنامه ریزی تعدادی متناسب با این سنین انتخاب شوند و پیرامون آن توضیحاتی داده شود و خواسته که همراه ترجمه حفظ کنند و کسانی که موفق تر بوده اند تشویق شوند.
- همچنین می توان به سیره برخورد ایشان با کودکان صحبت کرد. (مانند داستان درخواست کودکان از پیامبر برای تماشا بازی آن ها)

- خردسالان را باید از همان آغاز با نام امامان (علیهم السلام) آشنا ساخت و درسین بالاتر نیز شایسته است تا کودکان به فرازهایی از زندگی امامان خود و خدمات و ایثار و فداکاری هایی که در راه اسلام انجام داده اند، آگاهی یابند.
- در بیان زندگی امام عصر (عج) و مسئله انتظار ظهور ایشان نیز باید به مسئله ولایت فقیه و اهمیت آن اشاره شود و وظیفه ای که یک مسلمان در پیروی از فرامین ایشان دارد، مطرح گردد.
- می توان فضایل ایشان و سفارشاتشان را با داستان بیان کرد.
- به عنوان نمونه شجاعت و نیکوکاری امام علی (ع) در کودکی هنگام نجات کودکی که می خواست در چاه بیافتد.

نمونه دوم

- امام چهارم دوست داشت همه مردم دانش فرا گیرند و درس بخوانند، از این رو همیشه مردم و بخصوص کودکان را به درس خواندن تشویق می کرد.
- روزی دید جمعی از کودکان دور هم نشسته اند و درس
- می خوانند، خوشحال شد، آنان را نوازش کرد و گفت: بچه های عزیز خوب درس بخوانید و شما امروز کودک هستید و در آینده بزرگ و دانشمند خواهید شد و مردم از دانش شما استفاده خواهند کرد.

شیوه‌ی آموزش داستانهای دینی

نقش ویژه‌ی آموزش دینی کودکان را باید متعلق به داستان‌ها دانست.

• ویژگی یک داستان خوب

- (۱) طرح قصه طوری باشد، که درمخاطب انتظاربیافریند.
 - (۲) پیام باید از خود داستان بجوشد و غیرمستقیم اثربگذارد، نه بهانه‌ای برای نصیحت‌های مستقیم باشد.
 - (۳) نباید پیام، زبان و مجموعه واژگان داستان بیگانه از سن کودک باشد.
 - (۴) کودکان درس‌نین پایین به داستان‌های عامیانه و درس‌نین بالاتر داستان‌های خیالی و هم داستانهای واقعی که از محیط اطرافشان پا را فراتر بگذارند.
 - (۵) سرگذشت‌ها هم زمانی می‌توانند داستان‌گویی شوند، که فراز و فرود و درگیری داشته باشند.
 - (۶) حرکت کلی پیام داستان باید درهدفی شایسته باشد.
- ✓ نکته: باید درعین استفاده از داستان زمینه بیان واقعیات دینی را نیز در کودکان فراهم کرد.

نکاتی مهم در آموزش داستان های دینی

- ۱- از آنجا که هدف اساسی از این آموزش در دوره ی ابتدایی نخست جذب آنان برای پرورش و سپس سعی در پرورش آنان است؛ باید از داستان هایی استفاده کرد، که چهره های زیبا، و مهربان از خدا، پیامبران و امامان به نمایش گذارد.
- ۲- در این دوره فقط باید از داستان هایی که مهربانی و فضل خدا را نشان می دهد؛ بیان کرد و داستان هایی که در مورد عذاب های الهی است، به دوره بعد موکول کرد.
- ۳- باید زمینه هایی را در دانش آموزان فراهم نمود؛ تا درک درستی از آنچه می شنوند و می خوانند، داشته باشند.

شیوه های آموزش اخلاق

- ویژگی مثبتی که کودکان در این دوره از آن بهره مندند ، این است که در این مقطع اخلاق بزرگسالان مورد پذیرش او قرار می گیرد و به تکرار آن می پردازد و اگر الگوهای اخلاقی یکپارچه باشند، کار آسان تر شده، تعارضی در وضع کودک ایجاد نمی شود.
- از این رو در طول مراحل تحول اخلاقی، دوره ای که تربیت و تعلیم می تواند بیشترین نقش را داشته باشد، همین سنین (۶ تا ۱۱ سالگی) است.

روایات نیز به اهمیت این مقطع که دوره ی عبودیت و اطاعت نامیده شده اشاره داشته اند.

امام صادق(ع): اگر در این سنین آموخت صالح ورستگار می گردد و گرنه دیگر خیری در او نیست.

در اکثر روایات توصیه شده مربی و والدین باید کودک را با خود همراه کنند.



روش های موجود در آموزش اخلاق

به طور کلی تحقیقات نشان می دهد که شیوه ی معلمان در دوره ی دبستان در تربیت اخلاقی پیروی از همان شیوه سنتی و قدیمی است.

۱- آموزش غیرمستقیم

■ امتیازات آموزش غیرمستقیم:

- ۱- تذکرات زیاد و متوالی موجب ایجاد لجاجت و مقاومت منفی می شود.
 - ۲- بیان ایرادها و نصایح به دانش آموز احساسات او را جریحه دار میسازد.
 - ۳- ممکن است آموزش مستقیم با مقاومت روحی فراگیر مواجه شود.
- ✓ به طور کلی در آموزش غیرمستقیم باید از نتیجه گیری های صریح و توصیه آن به دانش آموزان اجتناب کرد.

الف) روش الگویی:

- یکی از بهترین شیوه های آموزش غیر مستقیم است.
- شخصیت معلم به عنوان الگو باید به گونه ای باشد که دانش آموزان نتیجه و تأثیر مثبت اعتقاد به عمل به دین را به طور عینی و ملموس ببینند. اما اگر بین گفتار و کردار معلم چه در داخل و چه در خارج مدرسه تناقض وجود داشته باشد، دانش آموزان نیز دانستن و عمل نکردن را فرا می گیرند و این همان نقیصه ای است که امروزه مدارس ما دچار آن شده است و از جمله عللی است که آموزش ها را به الفاظ محدود کرده ، از رخنه ی آنها به رفتار و عمل جلوگیری می کند.
- امام صادق (علیه السلام): مردم را با رفتار خود به سوی حق رهبری کنید نه با زبان خویش.
(ب) مسأله تکرار در آموزش

2- استفاده از روش های فعال

- کهلبرگ:
- از دیدماتلقین والقا نه تنها راهی برای آموزش اخلاقیات نیست، بلکه حتی روش اخلاقی در آموزش نیز نمی باشد.
- دیوئی هم درباره تربیت اخلاقی معتقد است که باید به اصول اخلاقی عینیت بخشید. باید آنها را از آسمان به زمین آورد و در قالب اعمال، رفتار اجتماعی یا روانشناختی گنجاند.
- باید آنها را با زندگی آشتی داد و از صورت انتزاعی خارج ساخت. باید اخلاق را به شرایط زندگی اجتماعی خودمان ترجمان کنیم، پس باید تمامی نظام تربیتی را دربرگیرد. معلمی که بر این عقیده باشد، هر موضوعی را با اتفاقی راهمگام با اخلاق می بیند.

شیوه های اجرای این روش ها

- بر حسب نوع فعالیت کودکان
- ۱- به صورت بحث و گفتگو (در حوزه تجارب و در عالم محسوس او)
- استفاده از داستان مناسب و تبادل نظریه پیرامون آن
- (محور تمام فعالیتها مواجه ساختن کودک با موقعیتهایی که وی مجبور به تکاپوی ذهنی شود و از حالت انفعالی خارج گردد.)
- وظیفه ی مهم آشکار کردن تفاوت فضیلت و رذیلت
- ۲- روشهای عملی (فعالیتهای که موجب ایجاد نظم درونی

ب) شیوه های فعال در تدوین کتابهای درسی دینی

- باید تدوین به گونه ای باشد که فراگیر ملزم به استفاده از تجربیات پیشین خود و تجزیه و تحلیل مطالب گردد.
- یک: در تدوین متن
- دو: در تدوین پرسشها و تمرینهای پس از درس
- تمرینها به معنای آزمودن و نمره دادن نیست، بلکه نوعی فعالیت آموزشی است.
- یه عنوان نمونه: پاسخگویی به سوالات بی پاسخ و ارائه راه حل برای مشکلات مطروحه (مثل اینکه اگر توبودی چه می کردی؟)
- معلم باید توجه داشته باشد که هدف حقیقی از تدریس مفاهیم دینی تبدیل آنها به ایمانی است که نتیجه ی آن باید در احساسها و کردارهای کودکان متجلی شود.

3- ارزیابی ارزشهای اخلاقی

- ۱- آزمونهای کتبی
- ۲- جدال اخلاقی و تجزیه و تحلیل موقعیتهای
- ۳- راهبردهای تصویری مانند داستان نویسی براساس تصاویر ارائه شده، تکمیل داستانهای ناتمام
- ۴- ابراز عقاید خلاق: موضوعات اخلاقی ارائه می شود و از دانش آموز خواسته می شود درباره ی آن نقاشی بکشد و...
- ۵- از دانش آموز بخواهیم ارزش هایی که تجربه کرده اند، نقل کنند یا بنویسند.
- معلمان وظیفه دارند که معیارهایی برای هر ارزش که فهرستی از رفتارهای دانش آموز است، تهیه کنند.

4- چند موضوع اخلاقی مناسب برای آموزش کودکان

- رعایت نظافت و انضباط عمومی
- عادت به سلام و داشتن ادب و احترام در برخورد
- آشناسدن با همکاری
- خدمت به مردم
- وقت شناسی
- پرهیز از دزد و غشایی
- (شاید عدم درک صحیح در زمینه ی مفاهیم اخلاقی وجود داشته باشد، از این رویکی از وظایف معلم این است که در قالب مثال و بیان تجربه های عملی تلقی درستی از آنها را در ذهن کودکان به وجود آورد.)

شیوه‌ی آموزش قرآن

- بهترین زمان برای آموزش روخوانی قرآن سال دوم است.
- در معرفی قرآن به کودکان چند اصل باید مورد توجه قرار گیرد:
- کودکان قرآن را کتابی محترم و مقدس بشناسند.
- درس قرآن مشکل و خسته کننده تلقی نشود.
- معلومات قرآنی را بتدریج به دانش آموزان یاد داد.
- قرآن کتاب زندگی شناخته شود نه تنها کتاب مقدس برای تلاوت
- استفاده از داستانهای قرآنی برای معرفی قرآن



شیوه های آموزش وضو نماز

- صورت عقلی گرفتن رفتار مذهبی کودک از حدود هفت سالگی است که می تواند مطالبی را بفهمد و از آن سردر آورد. قبل از این سنین اغلب جنبه احساسی و نشان دادن همراهی با والدین و دیگران را دارد.
- شور و علاقه ای که کودک از دیدن عبادت پدر و مادر می یابد زاید الوصف است.

✓ نظم، پایه نماز

□□ کدام دبستان مثل یک کارخانه ورشکسته است؟

- دبستان‌های ما، بچه‌های ما را منظم بار بیاورند بهتر است از اینکه بخواهند آنها را وادار کنند به نماز خواندن، پایه نماز، نظم است. وقتی بچه روحیه نظم نداشته باشد، مدتی با مدرسه نماز می‌خواند، بعد آن را کنار می‌گذارد. نه اینکه نظم مهم‌تر از نماز باشد بلکه نظم در مسیر تربیت، پایه است و انسان اول پایه را می‌گذارد. مثل ساختمان که اول اسکلت‌ها و پایه‌ها گذاشته می‌شود. بعد سقف را می‌گذارند. دبستانی که فرزند منظم تحویل جامعه ندهد، مثل کارخانه ورشکسته است که نتوانسته محصول خوب ارائه دهد.
«استاد پناهیان»

✓ اگر آقا پسر یا دختر خانمی در دبستان، شخصیت قوی پیدا کند، درس و اخلاق و نظمش هم خوب می‌شود!

◆ اگر ویژگی‌های شخصیتی مثل مسئولیت‌پذیری و مقاوم بودن را در بچه‌ها تقویت کنیم، هیچ نگرانی‌ای نسبت به دینداری آنها نداریم. مدرسه خوب، مدرسه‌ای نیست که مدام به بچه‌ها دعا و قرآن و نماز یاد بدهد؛ مدرسه‌ای است که پسرها را «مرد» بار بیاورد! و دخترها را «خانم»؛ دخترها هم باید شخصیت‌های استواری داشته باشند. / مدرسه خوب مدرسه‌ای است که زرتشتی‌ها و ارمنی‌ها هم بخواهند بچه خود را در آن ثبت‌نام کنند، چون می‌گویند: این مدرسه شخصیت بچه ما را «قوی» بار می‌آورد.



باتشکر از نگاه گرمتان . . .